

با مردم

سیدعلی رفیعی از اعضای باغچه‌بانان

۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷۷

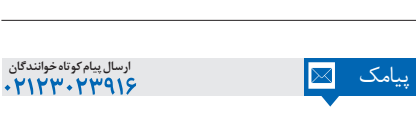
اختلالات سایت کارت ورود به جلسه پایه دوازدهم ادامه دارد درحالی‌که فقط چند روز به برگزاری امتحانات نهایی پایه دوازدهم، باقی مانده است، سایتی که باید کارت ورود به جلسه را از آن دریافت کنیم همچنان دچار اختلال است. به‌خصوص کسانی که برای ترمیم معدل و ایجاد سابقه تحصیلی، ثبت‌نام کرده‌اند، نمی‌توانند کارت خود را بگیرند. نخستین امتحان هم روز یکشنبه به‌گزار می‌شود و ماهنوز کارت نگرفته‌ایم درحالی‌که کلی تلاش کردیم، برای ترمیم معدل ثبت‌نام کردیم که کنکور شرکت کنیم. لطفاً صدای ما را سریع‌تر به گوش مسئولان آموزش و پرورش برسانید.

عبادی از تهران

جلوی متخلفان از سرعت مجاز را در مهاباد بگیرند
سرعت غیرمجاز خودروها هر روز و شب در خیابان باغ میکانیل یا همان باغ ملت مهاباد باعث تصادفات مکرر شده است و به‌رغم پیگیری‌های متعدد، پلیس راهنمایی و رانندگی هیچ اقدامی برای توقیف خودروهای متخلف نمی‌کند. آیا قانونی برای جلوگیری از تردد خودروهای متخلف نیست؟ همه می‌دانیم که هست اما کسی رعایت قانون را نمی‌کند و پلیس هم با این تخلفات برخورد نمی‌کند درحالی‌که این میزان از خسارت برای تصادفات داخل شهری بسیار زیاد و اصلی‌ترین علت آن سرعت غیرمجاز خودروهاست.

صائب از مهاباد

مهاجران در هر کشوری می‌توانند راهگشا و کارساز باشند مهاجران در هر کشوری اگر به‌خوبی مدیریت شوند می‌توانند حلال خیلی از مشکلات کشور باشند می‌توانند مشکل‌زا باشند اگر مدیریت نشوند. در خبرها آمده بود که قرار است سازمان مهاجرت تشکیل شود و به این موضوع بسیار مهم در کشور سر و سامان دهد، اما تشکیل این سازمان با تشکیلات مشابه خبر؟ **علیرضا حساسانی از تهران**



برای تخلیه یک مزارع برنج بایلسر به داد شالیکاران برسند
در اثر بارندگی‌های هفته گذشته تمام مزارع برنج در منطقه اسفندبار محله بایلسر به زیر آب رفت؛ مزارعی که نشاکاری شده و هم‌اکنون بعد از گذشت چند روز به‌رغم بارزاید بخشدار و فرمانرو مسئول جهاد کشاورزی شهرستان هنوز هیچ اقدامی برای تخلیه آب آنها صورت نگرفته است و اگر به همین منوال ادامه یابد تمام شالیزارها نابود می‌شوند. خواهشمندم برای نجات تنها منبع درآمد مردم این منطقه که تولیدکننده برنج برای هموطنان هستند و سال‌هاست با این مشکل سروکار دارند، فکری بکنید.

یانهی از بایلسر

دانشگاه بوعلی همدان آب آشامیدنی سالم ندارد
استان همدان به‌دلیل کاهش نزولات جوی و تغییرات آب و هوایی درگیر خشکسالی و کمبود آب است به‌طوری‌که سال گذشته با اجرای طرح انتقال آب به این استان تا حدودی مشکل تأمین آب شرب مردم حل شد، اما امسال هم معضل کم‌آبی ادامه دارد. به‌طوری‌که کیفیت آب شرب مردم استان به‌ویژه دانشگاه بوعلی همدان قابل‌قبول نیست و می‌توان گفت دانشگاه بوعلی همدان آب آشامیدنی سالم ندارد.

کافظمی از همدان

پل روگذر بزرگراه کارگر در تبریز بازگشایی شود
حدود یک سال است که پل روگذر بزرگراه کارگر با دیوار آباد از سمت راه‌آهن به پلیس‌راه، بعد از جایگاه سی‌ان‌جی که قبلاً سالم و قابل استفاده بود، برای ترمیم رویه آسفالت بسته شده است و قابل استفاده نیست. با وجود رمپ‌های کنارگذر موقت که باعث بروز چندین مورد تصادف شده، هیچ‌گونه اقدامی برای بازگشایی این پل در طول یک سال انجام نشده است. لطفاً این مورد را پیگیری کنید تا مشکل ترمیم آسفالت که کار چند روز است برطرف شود.

محمودی از تبریز



باتک‌ها دست از احراز هویت کاغذی بردارند
متأسفانه مصرف کاغذ در کشور ما بسیار زیاد است. به‌عنوان مثال من ۳سال پیش از یکی از باتک‌هاومی دریافت کردم و خب قاعدتاً قبیل از اخذ وام تمام مدارک هویتی خود را ارائه دادم. الان مجدداً برای دریافت وام مراجعه کردم و مسئولان بانک درخواست ارائه دویاره تمامی مدارک هویتی من را دارند و من می‌بایست تمامی مدارکم را مجدداً کپی گرفته و به بانک تحویل دهم. درحالی‌که اگر اطلاعات افراد در سیستم یکپارچه‌ای زیر نظر پلیس جهت راستی‌آزمایی مدارک وجود داشته باشد اصلاً نیازی به مصرف این همه کاغذ نیست و هر نهاد یا ارگانی که قصد استعلام مدارک هویتی افراد را داشته باشد به راحتی می‌تواند این اطلاعات را دریافت و استفاده کند.

چمران از تهران

تیلیغات نصب‌شده در بزرگراه‌ها ایمن‌سازی شوند
چندی قبل یکی از تبلیغات بزرگراهی در بزرگراه امام‌رضاع(میان یاد و توفان بهاری از جا کنده شد و بعد از دقایقی معلق ماندن در هوا روی چند خودرو افتاد. جنس پلاستیکی این بنر باعث مسدودشدن دید رانندگان شد و رانندگان از همه جایی خبر مجبور به ترمزهای ناگهانی شدند درحالی‌که ترفیکی هم در کار نبود. همین موضوع می‌توانست باعث تصادف مرگبار شود که به خبر گذشت. چندین راننده پیاده شدند و بنر تبلیغاتی بسیار بزرگی که دیگر فرود آمده بود را جمع کردند و دویاره به مسیر ادامه دادند. هیچ خبری هم نشد که مثلاً پشتونیم با پیمانکاری که این تبلیغات را بدون ایمن‌سازی نصب کرده است، برخوردی صورت گرفته است.

سلیمی از تهران

حوادث

سرشیکه قاچاق ۸۰۰دختر به خارج از کشور اعدام شد

پایان الکس

گزارش محمدجعفری

روزنامه‌نگار

الکس، مردی که با راهاندازی یک شبکه فساد دست کم ۸۰۰ زن و دختر جوان را برای بهره کشی جنسی به خارج از کشور قاچاق کرده بود به اتهام افساد فی الارض به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش همشهری، اواسط سال ۹۶ زنی که به‌دلیل اعتیاد و سرقت دستگیر شده و در زندان حبس شده بود از کشور قاچاق کرده بود به اتهام افساد فی الارض به دار مجازات آویخته شد.
به گزارش همشهری، اواسط سال ۹۶ زنی که به‌دلیل اعتیاد و سرقت دستگیر شده و در زندان حبس شده بود از کشور قاچاق کرده بود به اتهام افساد فی الارض به دار مجازات آویخته شد. او به مددکار زندان گفت عضو باندى بوده که زن و دختران جوان را به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس قاچاق می‌کردند. این زن گفت که سر کرده بانده مردی معروف به الکس است که با همدستی مادرش و زنی دیگر، زن و دختران جوان را به دام می‌اندازند و آنها را به کشورهای خارجی قاچاق می‌کند.
آنطور که او می‌گفت صدها زن عضو این بانده فحشا بودند که الکس از قاچاق آنها پول کلانی به جیب می‌زد.

اولین سرینخ در مازنی

باانجام تحقیقات مقدماتی نخستین سرخ‌ها از گردانندگان این شبکه فحشا در مازنی به‌دست آمد. پلیس یکی از مرتبطان این پرونده را که در مدرسه‌ای در مازنی شافل بود شناسایی کرد. او با صدور معرفی‌نامه تحصیلی جعلی برای دختران تن‌فروش زمینه سفر آنها به این کشور را فراهم می‌کرد. در ادامه معلوم شد که الکس، سرکرده بانده چند همدست دیگرش نیز در مازنی حضور دارند و از آنجا شبکه فساد را هدایت می‌کنند. به این ترتیب درخواست استرداد وی به اینترپل فرستاده شد و با ادامه تحقیقات در این‌باره در سال ۹۹ الکس دستگیر و به کشور بازگردانده شد.

حکم اعدام برای یک عمر فساد

با تکمیل تحقیقات در این پرونده الکس و شماری از اعضای بانده در دادگاه انقلاب اسلامی تهران محاکمه شدند. الکس و مادرش که در پرونده متهمان ردیف اول و دوم هستند به اتهام افساد فی‌الارض به اعدام و همچنین شفره دیگر از اعضای این بانده نیز به تحمل ۱۵ سال حبس محکوم شدند. ۳۰ نفر دیگر که افراد فریب‌خورده بانده بودند نیز به حبس محکوم شدند و این رای در دیوان عالی کشور نیز مهر تأیید خورد و قطعی شد و درنهایت باامداد دیروز (شنبه) الکس به امار مجازات آویخته شد.

الکس کی بود؟

الکس با نام واقعی شهروز سخنجوری، سال ۱۳۲۴از **ایران** خارج شد و در کشورهایمانند هند، امارات، آمریکا، مازنی و اوکراین زندگی می‌کرد و در طول این مدت به ایران هم رفت و آمد داشت. او در **باره راه‌اندازی شبکه فساد گفت:۳سال قبل از دستگیری از دومی به ایران آمدم. قبل از ورود به ایران ۵سال چندماه در امارات در زندان بودم که دیپورت شدم و به ایران آمدم. در ایران با دختری به نام سابیلا آشنا شدم که به من پیشنهاد طراحی سایت را داد که در آن عکس و شماره دختران را به‌منظور تن‌فروشی بارگذاری می‌کرد. آرام‌آرام با سرشیکه‌های سابیلا در دومی، مازنی، اوکراین و جمهوری آذربایجان آشنا شدم. با آنها در کیش قرار گذاشتیم و تمام افراد به کیش آمدند و از آنجا کار حرفه‌ای خود را برای **گسترده** کردن فعالیت‌هایم، آغاز کردم و **شبکه گسترده‌ای** را تشکیل دادم.**



درآمد ۷۰۰میلیارد تومانی با قاچاق دختران

الکس در بازجویی‌های انجام شده درباره درآمدش از این کار گفت: بازری‌سازی که از قبل فراهم کرده بودم به سایت‌هایی با رتکنینگ بالا تبلیغات می‌دادم و افراد جدید را جذب شبکه می‌کردم. پس از جذب افراد به سیستم از طریق عکس‌های حرفه‌ای که استخدام کرده بودم، عکس و فیلم‌های مستهجن از زنان و دختران تهیه کرده و روی سایت باگذاری می‌کردم تا از طریق این عکس و فیلم‌ها بتوانم مشتریان را داخل سایت آورده و در ادامه آن‌ها را نسبت به گرفتن خدمات از نفرت‌اشاغل در شبکه متقاعد کنم. او در جایی در آمدش از راه‌اسکورت سرویس را ۷۰۰میلیارد تومان و در جای دیگر ۲۲۳هزار دلار اعلام کرد. او برای انتقال پول حتی با یک صرافی معتبر که در ایران، امارات و مازنی شعبه‌داشت همکاری می‌کرد و فردی را به‌عنوان مرتبط به این صرافی معرفی کرده بود.

قاچاق

موادمخدر توسط اعضای بانده
الکس فقط به فکر در آمدن دختران جوان بود و علاوه بر فحشا از آنها برای قاچاق موادمخدر نیز استفاده می‌کرد. شواهد به‌دست آمده نشان داد الکس برخی دختران را که به دومی می‌رفتند مجبور به حمل موادمخدر نیز می‌کرد و آنها در دومی موادمخدر ترانزیت شده را به باندهای قاچاق تحویل می‌دادند.

همدستی

کنار مد سفارت مازنی با بانده فساد

در ادامه تحقیقات معلوم شد که یکی از کارمندان سفارت مازنی در تهران نیز با اعضای این باندهمدست است الکس با کمک این کارمند ایرانی که در بخش سفارت سفارتخانه مازنی در تهران فعالیت می‌کرد در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای دختران جوان و بزرآ تهیه می‌کرد. طوری که در ۲۴ساعت می‌توانست دومت‌نامه و ویزای دوماهه کشور مازنی را دریافت کند و به این ترتیب دختران جوان به بهانه تحصیل اما در واقع برای فساد و فحشا از کشور خارج می‌شدند.

اخاذه

با عکس‌های خصوصی الکس
الکس برای کنترل اعضای شبکه فساد آنها را تهدید می‌کرد. او تعداد زیادی تصاویر و فیلم‌های مبتذل مربوط به افراد شبکه را در گوشی خود نگهداری می‌کرد و هر وقت افرادی از شبکه برای او در دسر درست می‌کردند آنها را به انتشار تصاویر مبتذل تهدید می‌کرد. از سوی دیگر او پس از جذب روسپیان و رسیدن آنها به مقصد پاسپورت‌شان را از آنها می‌گرفت و در مدت زمان اعتبار ویزا و حضور زنان در کشور مقصد گذرنامه را به آنها پس نمی‌داد.

نقش مادر الکس در قاچاق دختران

یکی دیگر از متهمان این پرونده مادر الکس است. او در کشور آمریکا زندگی می‌کرد و از سال ۲۰۰۴شرکتی برای خرید و فروش ملک در دومی راه‌اندازی کرد اما در ادامه با پسرش همکاری کرد. طوری که الکس همه پول‌های حاصل از درآمد شبکه را به شرکت مادرش در دومی منتقل می‌کرد. یکی از شروط مادر الکس این بوده است که نباید هیچ پولی با استفاده از پاسپورت قربانیان شبکه به حساب شبکه وارز شود و این موضوع نشان می‌داد الکس و اعضای باندهش همه جواب‌ها را به خوبی سنجیده بودند.

هم‌شهری

کوتاه از حادثه

در خواست جدید آمنه بهرامی



آمنه بهرامی دختری که ۱۹سال قبل از سوی خواستگارش هدف اسیدپاشی قرار گرفت و پرونده‌اش تبدیل به جنجالی‌ترین پرونده اسیدپاشی در این سال‌ها شد، دیروز به دادسرای جنایی تهران رفت و خواستار پرداخت دیه از سوی متهم اسیدپاش شد. به گزارش همشهری، این پرونده جنجالی دوازدهم آبان سال ۸۲به جریان افتاد. آن روز آمنه در حال بازگشت از محل کارش به خانه بود که در پارکی حوالی پل سیدخندان هدف حمله اسیدی پسری قرار گرفت که او را خوب می‌شناخت. مجید هم‌دانشگاهی آمنه بود و بارها از او خواستگاری کرده و جواب رد گرفته بود اما باز هم دست‌بردار نبود. او بعد از اینکه آخرین تلاش‌هایش برای به‌دست آوردن دل آمنه بی نتیجه ماند، تصمیم به انتقام‌جویی هولناکی گرفت. پسر جوان بعد از تهیه یک ظرف اسید، در مسیر بازگشت آمنه به خانه کمین کرد و بعد از عملی کردن نقشه‌اش، با به فرار گذاشت. آن روز شاهدان ماجرا، آمنه را به بیمارستان منتقل کردند و از همان روز مراقبت درمان او شروع شد؛ درمانی که در ایران و اسپانیا ادامه داشت و به‌رغم انجام چندین عمل جراحی، نتیجه‌بخش نبود و آمنه سرانجام بینایی هر دو چشمش را از دست داد. از نسوی دیگر متهم اسیدپاش دستگیر و در دادگاه محاکمه و به کوری هر دو چشم محکوم شد؛ حکم سه‌سابقه‌ای که تا پیش از آن در کشور اجرا نشده بود. این حکم در دیوان‌عالی کشور تأیید شد و پس از طی کردن پنج‌وهم‌قضایی به مرحله اجرا رسید. سرانجام در سال ۹۰ یعنی ۷سال پس از گذشت حادثه مجید به بیمارستان دادگستری منتقل شد تا حکم قصاص کوری دو چشم وی اجرا شود اما آمنه در آخرین لحظات و درحالی‌که همه‌چیز مهیا بود برای اجرای حکم، بینایی چشمان جوان اسیدپاش را به او بخشید و از قصاص گذشت کرد. پس از این اتفاق شیرین جوان اسیدپاش از لحاظ جنبه عمومی جرم‌بای می‌محاکمه رفت و به پرداخت دیه، زندان و تبعید محکوم شد. وی پس از پایان دوران محکومیتش از زندان آزاد شده و برای گذراندن دوران تبعید به یکی از شهرهای جنوب‌شرق فرستاده شد. اما درحالی‌که به‌نظر می‌رسید این پرونده برای همیشه منخومه شده، آمنه بهرامی دیروز قدم در اجرای احکام دادسرای جنایی تهران گذاشت و درخواست تازه‌ای را مطرح کرد؛ تعیین تکلیف دیه. وی گفت: جوان اسیدپاش کل پرداخت دیه محکوم شده اما تا بدحال پولی در خصوص دیه به من پرداخت نکرده است. در سال ۹۰ مبلغ ۵۵میلیون تومان توسط خیرین جمع و به من پرداخت شد تا برای ادامه درمان به بارسلونا بروم اما متهم و خانواده‌اش هرگز پولی به‌عنوان دیه به من پرداخت نکرده‌اند. درخواست من این است که متهم هرچه زودتر دو مبلغ دیه را براساس مبلغی که امسال تعیین شده تهیه کند و به من بپردازد. به‌دنبال درخواست تازه آمنه، بررسی‌ها دربار این ماجرا آغاز شد.

بدگویی از زن عمو جنایت آفرید

۲برادر که به سبب بدگویی‌های برادرزاده‌شان، نقشه قتل او را عملی کرده بودند از سوی پلیس دستگیر شدند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل جسد پسری جوان در یکی از خیابان‌های شرق تهران پیدا شدند. او با ضربات چاقو به قتل رسیده و عاملان قتل جسد وی را در کنار سطل زباله رها کرده بودند. با انجام تحقیقات مشخص شد که عاملان قتل عموهای مقتول هستند که از چندی قبل با وی دچار اختلاف شده بودند. به دستور بازپرس جنایی، دو برادر (عموهای مقتول) دستگیر شدند و در بازجویی‌ها به قتل برادرزاده خود اعتراف کردند. یکی از آنها گفت: برادرزادام پشت سر همسر من که زن عمویش می‌شد در قایل بدگویی کرده و حرف‌های نامربوط زده بود. وقتی این حرف‌ها به گوشم رسید عصبانی شدمم و به او تذکر دادم، اما او دست‌بردار نبود و به گوشم می‌رسید که دست از غیبت و بدگویی برنمی‌دارد. به همین دلیل با کمک برادرم نقشه کشتنم تا برادرزادام را تنبیه کنیم واز او انتقام بگیریم. روز حادثه با او قرار گذاشتیم و در جریان درگیری با ضربات چاقو جانش را گرفتیم. سپس جسد او را لی پتو پیچیدیم و کنار سطل زباله رها کردیم. عموهای کینه‌جو پس از اعتراف به قتل برادرزاده، با قرار قانونی بازداشت شدند و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

اعتراف سرایدار سارق به قتل زن ثروتمند

سرابداری که ۲سال پس از قتل زن ثروتمند دستگیر شده و جنایت را انکار می‌کرد، در تازه‌ترین تحقیقات اسرار جنایت را فاش کرد.

به‌گزارش همشهری این حادثه دوم دی سال ۱۴۰۰ در شمال غرب پایتخت رخ داد. مقتول زنی ۷۰ساله بود که جسدش در کمد خانه‌اش کشف شده و تمام اموال قیمتی وی به همراه خودروی هیوندای مقتول به سرقت رفته بود. با انجام تحقیقات مشخص شد که عامل جنایت کسی جز سرایدار فراری ساختمان نیست، او بعد از گذشت ۲سال، چندروز قبل دستگیر شد و در بازجویی‌ها مدعی شد که با مقتول درگیر شده و او دست به‌خودکشی زده است. بازجویی از او ادامه داشت تا اینکه وی دیروز به قتل اعتراف کرد. وی گفت: من مقدار زیادی طلا داشتم که در اختیار مقتول قرار دادم. او قصد سرمایه‌گذاری داشت و قرار بود سودش را به من بدهد اما مدتی گذشت و خبری از سود نشد. وقتی درخواست کردم طلاهایم را پس بدهد مدعی شد که سارقی به خانه‌اش دستبرد زده و طلاها را به سرقت برده است. عصبانی شدم و او را بیهوش کردم تا از او دست‌نوشته و سفته بگیرم، چون هیچ مدرکی در خصوص تحویل طلاها به او نداشتم اما آن روز با هم درگیر شدیم و جانش را گرفتم. متهم پس از اقرار به قتل، با‌داشت شد. تحقیقات از او ادامه دارد.

هشدار در یک سال

انبار بزرگ لوازم بدکی که دیروز طعمه حریق شد، همانند بسیاری از ساختمان‌های حادثه‌ساز دیگر در پایتخت، از مکان‌های خطرناک به شمار می‌رفت به‌طوری‌که به گفته ملکی، سال گذشته آتش‌نشنان ۵بار این انبار را بازدید کردند و هر بار برای آن اخطار نالیمنی صادر کردند که این اخطارها در زمینه مقاوم‌سازی سازه‌ها، اصلاح نوع چیدمان کالا، سقف‌ها و سیستم‌های اطفای حریق بود. به‌طور مثال اگر انبارها و غرفه‌های داخلی به جای فنس با استفاده از دیوار مقاوم از هم جدا نشده بودند، همین دیوار باعث می‌شد که آتش‌سوزی در یک نقطه بماند و به نقاط دیگر سرایت نکند.

مصدومیت ۱۷نفر

سرپرست اورژانس استان تهران نیز با اشاره به **مصدومیت ۱۷نفر** در این حادثه‌ه از جمله ۲ آتش‌نشان و ۲اعراب‌پیاده گفت: وقوع حادثه آتش‌سوزی در این محل حوالی ساعت ۱۱:۳۰به سامانه ۱۱۵اورژانس تهران اطلاع داده شد که در مجموع ۶دستگاه آمبولانس، ۵دستگاه موتورلانس و یک دستگاه اتوبوس آمبولانس به محل حادثه واقع در خیابان مولوی، محدوده میدان رازی اعزام شد. وی ادامه داد: ۱۷نفر در این حادثه دچار آسیب‌بدگی شدند که ۸نفر شان به مراکز درمانی منتقل شده و بقیه خدمات درمانی را در محل دریافت کردند.



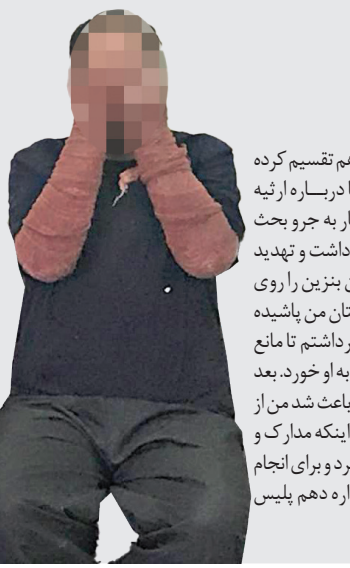
آتش از در و دیوار به بیرون زبانه می‌کشید و بخش زیادی از سقف انبار به‌دلیل حریق فرو ریخته بود. این در حالی بود که داخل انبار حجم زیادی لوازم بدکی موتورسیکلت وجود داشت و بخشی از آنها طعمه حریق قرار گرفته بود. وی ادامه داد: در بخش جنوبی انبار، ساختمان‌های مسکونی بود که آتش در حال سرایت به آنها بود. به همین دلیل با دستور فرمانده آتش‌نشانی، ساکنان این خانه‌ها به سرعت تخلیه شدند. این در حالی بود که تیم‌های حاضر در محل به چند گروه تقسیم شدند و عملیات اطفای حریق شروع شد. به‌گفته ملکی، هر چند حجم آتش‌سوزی بسیار گسترده و عظیم بود اما با تلاش نفسگیر آتش‌نشنان، حریق مهار شد و تیم‌های آتش‌نشانی پس از آن سرگرم لکه‌گیری و انتقال کالاها برای شناسایی آتش‌های پنهان و خاموش کردن آنها شدند.

انکار عجیب در قتل آتشین خواهر

پرونده قتل خواهر به دست برادر وارد مرحله تازه‌ای شد

پیگیری

مردی جوان که با خواهرش بر سر ارثیه پدری دچار اختلاف شده بود، در خیابان با ریختن بنزین او را به آتش کشید و باعث مرگش شد. او اما دیروز وقتی پیش روی بازپرس جنایی قرار گرفت خود را ای‌گناه دانست و با وجود شواهد و مدارکی که علیه اوست، قتل را انکار کرد. به گزارش همشهری، این حادثه چندی قبل در محله تهرانپارس رخ داد و فیلم به آتش کشیده شدن دختر جوان در فضای مجازی با‌تاب گسترده‌ای داشت. آنطور که فیلم‌نشان می‌داد خودروی چانگان سفید رنگ با سرعت کم در حال حرکت بود که در سمت راننده باز و مردی جوان باراننده درگیر شد. او یک بطری در دست داشت که محتوای آن را به سر و صورت و بدن راننده که زنی جوان بود پاشید. او سپس راننده را از



صندلی خودرو پایین کشیده و ناگهان ه‌ردو نفر آتش گرفتند. هر چند زن جوان برای درمان به بیمارستان انتقال یافت اما شدت صدمات و سوختگی به حدی بود که جانش را از دست داد و موجب تشکیل یک پرونده جنایی در شعبه دوم دادسرای جنایی تهران شد. عامل این آتش‌سوزی مرگبار کسی جز برادر بزرگ‌تر قربانی نبود که او نیز در این حادثه صدمه دیده و در بیمارستان تحت درمان قرار گرفت اما تحقیقات اولیه نشان می‌داد که خواهر و برادر از مدتی قبل به‌دلیل ارثیه پدری با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند. وی پس از درمان از بیمارستان مرخص شد و دیروز پیش‌روی بازپرس محمد‌وهایی قرار گرفت. وی گفت: پدر و مادرمان چند سال قبل فوت شدند. پدرم یک خانه داشت که قرار بود من و خواهرم به آنجا برویم و وسیله‌هایش را